

هو العليم

ترجمه و بيان رسالهٔ حقوق امام سجاد عليه السلام

مجلس دوم

بيانات

علامه حاج سيد محمدحسين حسيني طهراني
قدس الله سرّه

طهران، مسجد قائم، رمضان المبارک ۱۳۹۸ هـ.ق.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
بسم الله الرحمن الرحيم
و صلى الله على محمد وآله الطاهرين
و لعنة الله على أعدائهم أجمعين

حق حاكم

و أما حقَّ سائسِكَ بِالْمُلْكِ¹ فَإِنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تَعْصِيَهُ إِلَّا فِيمَا يُسَخِّطُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.

«اما حق حاکم و قدرتمندی که مدبّر امور توست، از نقطه نظر اداره امر، این است که او را اطاعت کنی و معصیت نکنی [و] مخالفتی نکنی، مگر در آنچه موجب سخط پروردگار و معصیت است.»

بنابراین، اگر تو را امر به معصیت کند، در این صورت نباید اطاعت او کنی؛ چون پیغمبر فرموده است که: «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق.»² در آنجایی که اطاعت کردن از یک مخلوق، ملازم شود با معصیت خدای خالق، در آن هنگام حرام است که انسان از آن مخلوق اطاعت کند.»

حق رعیت

و أما حقَّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُمْ صَارُوا رَعِيَّتَكَ لِضَعْفِهِمْ وَ قُوَّتِكَ، فَيَجِبُ أَنْ تَعْدَلَ فِيهِمْ وَ تَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ وَ تَغْفِرَ لَهُمْ جَهْلَهُمْ وَ لَا تَعَاجِلَهُمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ تَشْكُرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيْهِمْ.

«اما حق آن افرادی که در تحت قدرت و حکومت تو زندگی می کنند و تدبیر امور آنها را تو می نمایی، این است که بدانی آنها رعیت تو شده اند؛ چون ضعیف اند و تو نسبت به آنها قوت داری، پس واجب است بر تو که در میان آنها عدالت کنی و نسبت به آنها مثل پدر رحیم و مهربان باشی. جهالت هایی که از آنها سر می زند، صرف نظر کنی و نادیده بگیری و در عقوبت و پاداش³ آنها عجله نکنی و پیوسته شکر خدای عز و جل را بجای بیاوری که قوه ای به تو داده و آن قوه را در راه رضای خدا و مخلوق می توانی اعمال کنی.»

حق شاگرد

و أما حقَّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا جَعَلَكَ قِيَمًا لَهُمْ فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ وَ فَتَحَ لَكَ مِنْ خَزَائِنِهِ، فَإِنْ أَحْسَنْتَ فِي تَعْلِيمِ النَّاسِ وَ لَمْ تَحْرِقْ بِهِمْ وَ لَمْ تَتَجَبَّرْ عَلَيْهِمْ زَادَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ، وَ إِنْ أَنْتَ مَنَعْتَ النَّاسَ عِلْمَكَ أَوْ حَرَقْتَ بِهِمْ عِنْدَ طَلِبِهِمُ الْعِلْمَ مِنْكَ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَسْلُبَكَ الْعِلْمَ وَ بَهَاءَهُ وَ يُسْقِطَ مِنَ الْقُلُوبِ مَحَلَّكَ.

«اما حق آن شاگردانی که داری و آنها را تعلیم علم می کنی [و] تو نسبت به آنها معلم هستی و آنها شاگردان تو هستند و از تو تعلیم می کنند، این است که بدانی که خدای عز و جل تو را قیّم آنها قرار داده در آن اموری که به تو عنایت کرده؛ چون آنها از نقطه نظر علم ضعیف اند و تو قوی، و تدبیر امر تربیت علمی آنها را به دست گرفته ای، بنابراین قیّم علمی آنها شده ای. و باید بدانی که

1 خ.ل: بالمِلك.

2 کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج 2، ص 884.

3 لغت نامه دهخدا: «پاداش: مکافات، جزا، سزا.»

خدای علیّ اعلیٰ از خزائن علمش بر تو درهایی باز کرده است. بنابراین، اگر در تعلیم مردم، آنچه را که سزاوار است و حق است عمل کنی و افراط و تفریط نکنی، و از آنچه خدا فرموده است چیزی اضافه و کم نکنی و در تعلیم آنها به نحو احسن عمل کنی، و آنها را نرنجانی و متکبران و متجبران با آنها رفتار نکنی، خدای علیّ اعلیٰ از فضل خود بر تو آن قدر می‌دهد که به حساب درنیاید.

و اما اگر تو مردم را از علم خودت محروم کنی و آنها را رد کنی، و پرده حیای آنها را پاره کنی در هنگامی که از تو طلب علم می‌کنند، واجب است بر خدای عزّ و جلّ اینکه آن علم را از تو برباید و بهاء و قیمت علم را از تو بگیرد و موقعیت و منزلت تو را در میان دل‌ها و قلوب مردم ساقط کند.»

حق همسر

وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَأُنْسًا، فَتَعَلَّمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَتُرْفِقُ بِهَا وَإِنْ كَانَ حَقَّكَ عَلَيْهَا أَوْجِبَ، فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرُكَ، وَتُطْعِمُهَا وَتَسْقِيهَا وَتَكْسُوهَا وَإِذَا جَهَلَتْ عَفَوْتَ عَنْهَا.

«و اما حق زن (زن تو) این است که بدانی خداوند عزّ و جلّ او را برای تو موجب سکونت، سکونت خاطر و آرامش دل و موجب انس قرار داده است. بنابراین، باید بدانی که این نعمتی است که از طرف پروردگار بر تو افاضه شده، و باید زن را گرمی بداری و با او به رفق و مدارا رفتار کنی.

و اگرچه حقی که خداوند علیّ اعلیٰ برای تو نسبت به او قرار داده، آن حق اوجب است [و] او نیز باید حقوق تو را مراعات کند، ولیکن این موجب نمی‌شود که تو حق او را مراعات نکنی؛ به نحو اعلیٰ و احسن باید حقوق او را مراعات کنی.

پس بنابراین، از حقوقی که آن زن بر تو دارد، این است که با او به رحمت و ملاحظت رفتار کنی، زیرا که در زیردست تو و مأمور امر توست؛ [همچنین باید] او را از غذا بخورانی، و از آشامیدنی‌ها بیاشامی، و برای او لباس و کسوه تهیه کنی و اگر احیاناً از روی جهالت کاری از او سر زد که مورد رضای تو نباشد، او را عفو کنی.»

حق مملوک

وَأَمَّا حَقُّ مَمْلُوكِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ خَلَقَ رَيْبَكَ وَابْنَ أَبِيكَ وَأُمَّكَ وَ مِنْ لَحْمِكَ وَ دَمِكَ، لَمْ تَمْلِكْهُ لِأَنَّكَ صَنَعْتَهُ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا خَلَقْتَ شَيْئًا مِنْ جَوَارِحِهِ وَ لَا أَخْرَجْتَ لَهُ رِزْقًا، وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَفَاكَ ذَلِكَ ثُمَّ سَخَّرَهُ لَكَ وَ ائْتَمَّنَكَ عَلَيْهِ وَ اسْتَوْدَعَكَ إِيَّاهُ لِيَحْفَظَ لَكَ مَا تَأْتِيهِ مِنْ خَيْرِ إِلَيْهِ، فَأَحْسِنْ إِلَيْهِ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ، وَ إِنْ كَرِهْتَهُ اسْتَبْدَلْتَهُ، وَ لَا تُعَذِّبْ خَلْقَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

«و اما حق مملوک؛ [یعنی] حق غلام و کنیزی که در تحت ملکیت تو هستند، این است که تو بدانی که آنها هم مخلوقات پروردگار تو هستند، و آنها هم فرزندان پدر تو و مادر تو هستند، و از گوشت تو و خون تو هستند؛ چون همه مخلوقات از یک پدر و مادرند. بین انسان حرّ و انسان بنده از نقطه نظر اینکه همه او لاد آمدند، تفاوتی نیست.

و تو او را مالک نشدی به علت اینکه او را آفریده‌ای و او را مستویاً خلق کرده‌ای و خدای عزّ و جلّ در این کار، عنوان آفرینش و صنعت نداشته است؛ و تو هیچ‌یک از اعضا و جوارح او را نیافریده‌ای، و روزی را از آسمان برای او نازل نکرده‌ای، ولیکن خدای عزّ و جلّ، تو را از همه این امور کفایت کرده و روزی او را فرستاده و او را مسخر کرده برای تو، و تو را نسبت به او امین شمرده و امانتی را به دست تو داده، پس او را باید حفظ کنی و آنچه از دست تو ساخته است نسبت به او خیر و احسان کنی.

پس باید به او نیکی کنی، کما اینکه خدا به تو نیکی کرده است. و اگر احیاناً کاری از او سر زد که مورد پسند تو نبود، او را استبدال کن؛ به یک غلام و کنیز دیگر معاوضه می‌کنی، و مبادا او را عذاب کنی! خلق خدا را عذاب نکن و لا حول و لا قوّة الا بالله.»

حق مادر

وَأَمَّا حَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا، وَ وَقَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَ لَنْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَ تُطْعَمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيَكَ وَ تَعْرَى وَ تَكْسُوكَ وَ تَضْحَى وَ تَظْلُكَ وَ تَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَ وَقَّتَكَ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا، وَ إِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ.

«و اما حقّ مادر تو، حقی که مادرت بر تو دارد، این است که بدانی که مادرت تو را حمل کرده، آن قسم حملی که هیچکس راضی نیست دیگری را حمل کند! (از روی عشق و علاقه تو را آبستن شده و در جان خود تو را پرورش داده است، و اگر عنوان بستگی و اتصال نبود، هیچوقت زن حاضر نمی‌شود یک موجود غریبی را نه ماه در شکم خود پرورش بدهد، و با هزاران نگرانی و ناراحتی توأم باشد، نه!) روی آن شدت اتصال و علاقه‌ای که به تو که فرزندش هستی داشته است، تو را در میان شکم خود حمل کرده و به تو داده از میوه دل خود، آنچه را که هیچکس به دیگری نمی‌دهد؛ و تو را حفظ کرده از آفات و شرور، با تمام قوا و با تمام جوارح. و باکی نداشته اینک که خودش گرسنه بماند و به تو غذا بخوراند، و باکی نداشته که خودش تشنه بماند و تو را سیراب کند، و خودش عریان بماند و تو را بپوشاند، و خودش در میان آفتاب باشد و تو را در زیر سایه نگه دارد، و خواب را از چشمان خود دور کند برای اینکه تو خواب راحت کنی، و تو را از سرما و گرما حفظ کرده، نه برای منفعتی که به او برسد، [بلکه] برای خودت که خودت، بوده باشی.

پس بنابراین، چگونه تو طاقت داری که شکر مادرت را بجا بیاوری و از عهده زحمات او بریایی مگر بعون الله و توفیق، به کمک خدا و عنایت پروردگار.»

حق پدر

وَأَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلَكَ وَ أَنَّهُ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ، فَمَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلَ النِّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ، فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى ذَلِكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

«اما حقی که پدرت بر تو دارد، این است که بدانی پدرت اصل توست، و تو نسبت به او فرع و شاخه هستی، و اگر او نبود، تو نبود. پس بنابراین، هر وقت علمی، کمالی، قدرتی [و] حسنی در خود مشاهده کردی که موجب شگفت و تعجب تو بود، بدان که آن نعمت و آن حُسن برای پدر توست که پدر تو اصل این نعمت بوده که در تو به ظهور پیوسته است. پس پیوسته حمد خدا را بجا بیاور [و] شکر خدا را بکن بر اینکه تو را از این اصل متفرع کرده، و این شاخه را از این درخت بهره‌مند نموده است. و لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.»

حق فرزند

وَأَمَّا حَقُّ وُلْدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَ [وَأَوْلِيَّتُهُ] بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ، فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ.

«و اما حق فرزندانت [و] حق اولادت بر تو، این است که بدانی که اولاد تو از تو هستند، و نسبت به تو دارند در این دنیا، چه خیری به آنها برسد و چه شری به آنها برسد، چه خوب باشند یا بد باشند؛ مال تو هستند و نسبت با تو دارند.

و تو مسئولی از آن ولایتی که خدا به تو داده نسبت به آنها، از اینکه ادب آنها را نیکو کنی، و تربیت آنها را براساس صحیح قرار بدهی، و آنها را دلالت بر خدای، پروردگارشان عزوجل بنمایی، و به معلم و معارف دینی آشنا کنی، و آنها را در راه طاعت خدا کمک کنی.

پس عمل کن در امورات آنها، عمل کسی که بداند اگر به آنها احسان کند مورد ثواب خدا واقع خواهد شد، و اگر به آنها احسان نکند و اسائه [و] بدی کند، مورد عقاب و عذاب خدا واقع خواهد شد.»

حق برادر

وَأَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ يَدُكَ وَ عَزَّتْكَ وَ قُوَّتُكَ، فَلَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحًا عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ لَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ لِخَلْقِ اللَّهِ، وَ لَا تَدَّعِ نُصْرَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَ النَّصِيحَةَ لَهُ، فَإِنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ إِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.¹

«اما حق برادرت بر تو، این است که بدانی آن برادر، دست توست و عزت توست و قوت توست. او را سلاح و حربه برای معصیت خدا قرار نده که از قدرت و عزتی که دارد استفاده کنی، و به آن قوت و عزت متکی بشوی و او را مانند سلاحی که انسان با آن سلاح به جنگ می‌رود، آن سلاح را دست بگیری و به جنگ خدا بروی و معصیت خدا انجام بدهی. و آن برادرت را زمینه و مقدمه برای ظلم نسبت به احدی از مخلوقات خدا قرار نده و در ربودن حقوق محرومین به قدرت برادرت اتکا نکن.

و دیگر آنکه برادرت را از یاری دریغ منما؛ هر وقتی که دشمنی دارد، او را بر علیه دشمنش یاری کن.

و دیگر آنکه او را در تمام امور نصیحت کن و اندرز بده. اگر خدای علی را اطاعت کرد، چه بهتر، و اگر اطاعت نکرد، خداوند علی را گرامی‌تر است بر تو نسبت به او. امرش به سوی خداست. و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.»

إن شاء الله بقیه این حدیث شریف برای روزهای دیگر.
صلواتی ختم کنید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

¹ مکارم الأخلاق، ص 420 - 421.